**مصاحبه با NMPrivateKabul250418**

**تاریخ: 25 اپریل 2018**

**مصاحبه در رستورانت**

**(مصاحبه کم اهمیت – بخش زراعتی و شاخص‌های تحقیقی ناتکمیل)**

ک: وظیفه ی شما چیست در شرکت؟

NMPrivateKabul250418: مه رییس شرکت زراعتی و مالداری [نام شرکت] هستم.

ک: شرکت چی تعداد کارگر داره؟

NMPrivateKabul250418: شرکت ما طوری که از نامش معلوم اس زراعتی و مالداری اس، بخش زارعت ما در ولایت غزنی اس البته. و بخش پروسس مواد ما در کابل اس.

ک: همین بخشی که مخصوص پروسس است چند نفر [قطع]

NMPrivateKabul250418: شش نفر.

ک: کارگرها دایمی هستند یا مقطعی کار می کنند؟

NMPrivateKabul250418: کارگرها مقطعی هستند. دایمی هم یکی، دو تایشان است. که هفته ای 4 روز یا 5 روز دایمی کار می کنند. معاش شان مقطعی است؟ روزانه برایشان معاش میتیم.

ک: روزی چند معاش می گیرند؟

NMPrivateKabul250418: روزی 300 برایشان میتم.

ک: فرق نمی کنه بین کارگرهای که [قطع]

NMPrivateKabul250418: حتما فرق می کنه. نظر به کارشان، نظر وقت‌شان. کوشش می کنیم که نظر به ساعت پیش خود یک سنجش کنیم و معاش شان ره بتیم.

ک: در یک ساعت چند معاش میتین به کارگر؟

NMPrivateKabul250418: در یک ساعت 50 افغانی.

ک: معمولا یک شاگرد روزی چند کار می کنه؟

NMPrivateKabul250418: همراه ما کس هایی اس که نیم روز کار می کنن و بعضی ها از صبح تا دیگر. شش ساعت، هفت ساعت کار می کنند.

ک: کس های که نیم روز کار می کنند آنها 3 ساعت؟

NMPrivateKabul250418: ها 3 ساعت.

ک: و اینها گفتید که مقطعی هستند؟ ماهوار خو معاش نمی گیرند؟

NMPrivateKabul250418: نی! کارگر ماهگکی هم داریم که 6 هزار برش معاش میتیم.

ک: تعداد اینها چند نفر اس؟

NMPrivateKabul250418: دو نفر است.

ک: برای کار پروسس تان به اساس برنامه تولید می کنید یا سفارش؟

NMPrivateKabul250418: پلان کاری ما طوری است که پیش خود ما است [می باشه] در صورتی که فروشات داشته باشیم. ما [اما] بازار دایمی نداریم. مواد تولید می کنیم [ولی] روزهای که نمایشگاه باشه زیادتر مواد میره. که نباشه مواد می مانه. روزهای که مواد داشتیم باز تولید نمی کنیم.

ک: سرمایه ی اولیه ی که شرکت ره شما ایجاد کردید از کدام منبعی آمد؟ از کدام بانک خصوصی قرضه گرفتید؟ کمک دولت بود؟ کمک کدام ان.جی.او بود؟ یا پول شخصی شما بود؟

NMPrivateKabul250418: پول شخصی خودم بود چون مه همیشه به خانم ها کمک میشدم [this is a recurring theme by all women investors to repeat] این طور مقطعی برای یک کسی [مثلا] پول میدادم به خاطری که غریب و بیچاره بودند. بالآخره به این فکر افتید که تا چی وقت به مردم ماهی بتم حالی ماهی گرفتن ره برایشان یاد میتم. باز همین کار ره که تولید کردیم، اول یک فارم مرغ بود. باز فارم مرغ ما که چون جای نداشتیم، نتانستیم که دوام بتمش.

ک: در کجا بود فارم مرغ تان؟

NMPrivateKabul250418: در همین کابل بود. در یک خانه بود البته. منزل رهایشی. باز اونجه خانه ی برادرم بود. او ره که خراب می کرد [خانه ره تخریب می کرد] مرغ ها ره به غزنی روان کردم. باز به همو حساب ده ده دانه، پنج پنج دانه به همو دوست ها تقسیم کردم خلاص شد. باز یک باغ جور کردیم به حساب. حالی باغ داریم و درخت هایش به ثمر رسیده.

ک: که محصولات باغ ره شما اینجه پروسس می کنید؟

NMPrivateKabul250418: امسال نو دیگه کل درخت های ما به حاصل آمده. [حالی] از دیگر خانم ها ره پروسس می کنیم. از دیگر باغ‌دارها ره.

ک: بیشتر از کجاها می خرید این چیزهایی که پروسس می کنید در شرکت؟

NMPrivateKabul250418: میوه ی خشک خوده ما از پنجشیر می گیریم. دیگر از غزنی، دایکندی، قندهار.

ک: از جاهای مختلف پس می خرید؟

NMPrivateKabul250418: تا به حالی خو می خریدیم از هر جایی. منتها حالی که باغ خود ما چیز شده کوشش می کنیم که زیادتر از خود ما باشه.

ک: ماشین و چیزهایی خریده اید [قطع]

NMPrivateKabul250418: کلشه در پیسه ی خود کردیم.

ک: در حدود چقدر مصرف کردید؟

NMPrivateKabul250418: چون از ما خانه شخصی خود ما اس همی بامب اش ره کارخانه جور کردیم. از جای کم استفاده ی بسیار خوب کرده ایم و یک مکانی بسیار پاک و ستره اس. که شاید سرتیفیکت "اسب" [asab] ره هم بگیریم. این به کس هایی داده میشه که بالای جای خود سرمایه گذاری کرده. دیگه، بالا ماشین ها داریم. ماشین پرس جو داریم، ماشین خشک‌کن گرفته ایم. دو لک، سه لک افغانی مصرف کرده ایم.

ک: کدام ان.جی.او یی به شما کمک نرسانده؟

NMPrivateKabul250418: هیچ جایی برای ما کمک نکرده.

ک: اتحادیه ی صنعتی؟

NMPrivateKabul250418: نخیر نی.

ک: نشستی که امروز رفتید این ارتباط داشت به [قطع]

NMPrivateKabul250418: ها این سرتیفکت اسب [asab] میته در دفتر و شرکت های که در بخش میوه ی خشک و زردآلو و اینها کار می کنند، باز تریننگ دادند، دو دفعه، سه دفعه. از 30 شرکت 15 و از 15 که تریننگ داده اند، بالآخره 5 تایشان انتخاب میشن که برایشان سرتیفکت asab میته. سرتیفیکیتی اس که میتانم مواد خوده بدون کدام چیزی بفروشیم، یعنی از هر نگاه صحی.

ک: این سرتیفیکت دولتی اس؟

NMPrivateKabul250418: دولتی اس ها.

ک: از طرف کدام نهاد اس؟

NMPrivateKabul250418: کنترول یونین [control union]. چون این کنترول یونیون بین المللی اس [نهاد بین المللی].

ک: در وقت فراغت چی کارهایی می کنید؟

NMPrivateKabul250418: یگان جایی میریم روزهای جمعه و ما اکثرا ولایت میریم. ما غزنی میریم. هم از کار خود دیدن می کنیم هم تفریح میشه به ما.

ک: کتاب هم می خوانید؟

NMPrivateKabul250418: بله همیشه مطالعه می کنیم.

ک: چی نوع کتاب هایی ره؟

NMPrivateKabul250418: زیادتر مه خود کتاب های روانشناسی ره خوش دارم و در پهلویش کتاب های معلوماتی ره از طریق انترنت.

ک: قبلا هم می خواندید؟

NMPrivateKabul250418: ها از همو وقت، سابق.

ک: تحصیلات؟

NMPrivateKabul250418: [خنده] برایتان بگویم که دو دفعه دارالمعلمین ره خواندیم. یک دفعه معلم بودم و داخل‌خدمت می خواندم.

ک: در کابل؟

NMPrivateKabul250418: بله ها. باز در آخر وقت امتحان ها و اینها که شد جنگ ها شد و رفتیم پاکستان و درسم ماند. باز برگشته که آمدیم دارلمعلمین خوده که خواندم – در پاکستان معلم بودم، مکتب شخصی داشتم در کویته – حالی در اینجه دیگه آزاد کار می کنم.

ک: موقعیت مالی: تصور مردم و تصور شما چیست [قطع]

NMPrivateKabul250418: متوسط!

ک: درآمدی دارید که بتوانید پس‌انداز کنید؟

NMPrivateKabul250418: پس‌انداز خو نمیشه به این خاطر که اولاد دار هستیم و برای تحصیل اولادها کلگی مصرف میشه. دیگر، خوب هستیم فضل خدا.

ک: نقطه ی شهر؟

NMPrivateKabul250418: در خوشحال خان هستیم.

ک: قبل از شروع کار تولید در کجا بودید؟

NMPrivateKabul250418: در بلاک بودم. در بلاک های خوشحال خان. حالی باز حویلی خود ما جور کردیم و در حویلی هستیم.

ک: اطفال خصوصی یا دولتی؟

NMPrivateKabul250418: از مه چون اولادها ماشاالله کلان شده اند و یک بچه گک خُردم اس که مکتب خصوصی میره.

ک: روابط شخصی که برای ایجاد شرکت به درد خورد؟

NMPrivateKabul250418: اکثرا که مه ره کمک کرده اعضای فامیلم بوده. چون نیاز جامعه ره دیده همراه اعضای فامیل خود همین کار ره شروع کردیم.

ک: موتر؟

NMPrivateKabul250418: یک موتر.

ک: مودلش چیست؟

NMPrivateKabul250418: کورولای کانادایی.

ک: قبلا؟

NMPrivateKabul250418: او وقت ها نداشتیم نی. معلم بودیم. معلم بیچاره موتر از کجا می کنه [لبخند]

ک: خانه؟

NMPrivateKabul250418: یک خانه ی خود ما به نام مه اس. و یک بلاک شوهرم داره.

ک: در بیرون از افغانستان هم دارید؟

NMPrivateKabul250418: نداریم تا هنوز.

ک: نظرتان در این باره چیست که پول مفاد بالای شرکت به مصرف برسه؟

NMPrivateKabul250418: هنوز که ما مشکل کلان داریم. مشکل ما نبود بازار است. ما خانم ها بازار نداریم. یک روز کار می کنیم، یک نمایشگاه اس، مواد ما در پشت ما میریم در او نمایشگاه، کرایه ی موتر میتیم و میرم و میاییم. باز بازار ثابت نداریم. از این خاطر عاید ما هم ثابت نیس. همین قدر که [مقصد] در خصاره برابر نشیم هم غنیمت اس.

ک: دوست هایتان؟ طبقه اجتماعی، نوعیت شغل

NMPrivateKabul250418: دوست های ما اکثرا خانم های تجارت پیشه استند.

ک: تصمیم گیری؟

NMPrivateKabul250418: مه که در زندگیم تصمیم می گیرم بدون مشوره تصمیم نمی گیرم. همیشه مشوره می کنم. در کارهای شرکت اگر اس یا در کارهای فامیلی اس. برای بهبود کار خود با کارگرهای خود همیشه مشوره می کنم.

ک: بالای چی مسایلی با کارگرها مشوره می کنید مشخصا؟

NMPrivateKabul250418: بیشتر بالای بهبود کار خود که دیگر چی ره تولید کنیم، کار خوده چی قسم خوبتر بسازیم. بازار ره چی رقم پیدا کنیم. زیادتر بالای همین گونه موضوعات.

ک: بالای دسترسی به مواد خام یا توزیع مفاد و اینها هم با کارگرها گپ می زنید؟

NMPrivateKabul250418: نخیر!

ک: با شرکت های دیگری که در عین صنعت مصروف کار هستند رابطه یتان چگونه است؟

NMPrivateKabul250418: ها همیشه که یک جای میشیم کوشش می کنیم که از گپ های یکدیگر بیاموزیم.

ک: در کجا می بینید؟

NMPrivateKabul250418: مثلا در همین نمایشگاه ها و در همین نشست های که بین خانم ها برقرار میشه.

ک: تقسیم اوقات مشخص؟

NMPrivateKabul250418: نه نه. یگان وقت که برابر شوه.

ک: کسی کمک نکرده که اتحادیه ای ایجاد کنید؟

NMPrivateKabul250418: است. فدراسیون زنان تجارت‌پیشه در اتاق تجارت منتها اتاق تجارت هم تا یک پروگرام نباشه خانم ها ره نخواسته که برویم یکدیگری ره مشکلات خوده بگوییم. اونها از خوده گفته اند به خاطر پروگرام های خود همیشه دعوت کرده اند ما ره.

ک: شما پس عضو فدراسیون هستید؟

NMPrivateKabul250418: بله. گاهی وقت ها می نشینیم و خانم ها بین خود می گویند که همین پروسس خوده چی رقم اجرا می کنن یا لیبل ره از کجا پیدا می کنن. و اینها.

ک: برای به دست آوردن کمک های دولت هم گاهی شده که ارتباط گرفته باشید؟

NMPrivateKabul250418: هیچ وقت نشدیم! نی دولت برای ما زمینه ره مساعد کرده و نی کدام وقتی مشکل ما ره شنیده! چند سال اس که میگیم بازار بازار. امروز و صبح میگن و کسی [کاری نمی کنه].

ک: در این نمایشگاه بادام باغ شما سهم داشتید؟

NMPrivateKabul250418: بله ها.

ک: از این قبیل کارهای دیگری هم می کنه دولت؟

NMPrivateKabul250418: ها در نمایشگاه های وزارت زراعت هستیم.

ک: این کمک نمیشه؟

NMPrivateKabul250418: از نمایشگاه همین گله ره داریم که دایمی نیست نی. یک روز یا دو روز اس. میری و میایی و هیچ خانم ها ازش فایده نمیتانن. به خاطری که یک چیزی یک بار مصرف واری است.

ک: به خاطر بازاریابی در انترنت و در تلویزیون اعلان نشر می کنید؟

NMPrivateKabul250418: نکردیم تا به حالی.

ک: فقط رو در رو؟

NMPrivateKabul250418: بله ها. بخش مارکینگ ما ضعیف اس.

ک: تولیدات به اوگرایی یا نقد؟

NMPrivateKabul250418: اکثرا نقد است.

ک: شده که خریدار دایمی به قرض از شما تقاضا کرده باشه؟

NMPrivateKabul250418: نداریم خریدار دایمی.

ک: سطح تولیدتان در چی حد است؟ در یک ماه فرضا؟

NMPrivateKabul250418: خوب است دیگه. اگر بازار داشته باشیم و نمایشگاه باشه، خوب اس. در غیر او بیخی پایین اس.

ک: حد اوسط چقدر تولید می کنیم؟

NMPrivateKabul250418: 30 یا 40 فیصد تولید می کنیم [ظرفیت تولیدی خود ره به کار می اندازیم]. باید 100 باشه. یا حد اقل 90 فیصد. چون بازار نداریم او قدر تولید هم نداریم.

ک: از لحاظ وزن، چقدر تولید می کنید؟

NMPrivateKabul250418: در ماهی ما خود ما چون مواد غذایی است ماهی دو بوجی یا سه بوجی ره تولید می کنیم.

ک: ارزش یک کیلو موادی ره که شما تولید می کنید چقدر است؟

NMPrivateKabul250418: 100 افغانی میایه.

ک: کارگر در یک روز چی اندازه تولید میتانه؟

NMPrivateKabul250418: اگر کار داشته باشیم تا حدود 30 تا 40 کیلو.

ک: به اساس چی امیدواری کارتان ره ادامه میتین؟

NMPrivateKabul250418: کار خوده ادامه میتیم به خاطری که از اول کرده توانسته ایم که پیشرفت کنیم. و روز به روز نظر به اراده ی خود ما هم اس که مارکتنگ درست کنیم. حتما بازار خوب پیدا می کنیم.

ک: احساس می کنید که کارتان بهبود پیدا کرده روان اس؟

NMPrivateKabul250418: بله ها.

ک: انگیزه ی ایجاد این شرکت چرا به شما رخ داد؟ کدام سال بود؟

NMPrivateKabul250418: در سال 2013 مه شروع کردم کار ره. چون همیشه که کمک میشدم به خانم ها و به همین فکر افتیدم که خانم ها باید سر پایشان ایستاد شوند و هر کس کار کنه و یک عاید پیدا کنه. به خاطری که افغانی ها همو طور تیارخور آموخته شده اند و اگر کسی برایشان داد یا از خارج آمد در همو خوش هستند که مصرف کنند و برای آینده ی خود، یعنی، زیاد خوده به زحمت نمی کنند. دیگه، همو قدر زحمتی که در خارج می کشه مردم همو ره اگه در داخل افغانستان بکشه نان خوده جمع نمیتانه.

ک: در چی شکل هایی به زن ها کمک می کردید سابق؟

NMPrivateKabul250418: بریشان پول یا مواد غذایی از بازار می گرفتم.

ک: در کابل یا در کدام ولایت دیگر؟

NMPrivateKabul250418: در کابل و در غزنی.

ک: بازاریابی در کدام شهر؟

NMPrivateKabul250418: در همین کابل اس.

ک: نظرتان چیست که پول مفاده بالای شرکت مصرف کنید به جای مصرف شخصی؟

NMPrivateKabul250418: ما اگر دوامدار کار کنیم میتانیم که سالانه عاید کنیم و سالانه پیشرفت کنیم. حالی مصرف خانه ی ما هم بالای شرکت میره.

ک: پس چرا این کار ره با وجود نقص مالی ادامه داده اید؟

NMPrivateKabul250418: امیدوار هستیم که کار ما خوب شوه. بازار پیدا کنیم این مواد ما یک چیزی بسیار خوب اس. چون در افغانستان او قدر معرفی هم نیس. روز به روز معرفی شده میره و کار ما خوب شده میره.

ک: مواد خام، قیمت تولیدتان در یک بوجی چقدر اس؟

NMPrivateKabul250418: در حدود 2 هزار افغانی.

ک: یک بوجی چقدر وزن داره؟

NMPrivateKabul250418: 40 کیلو یا 50 کیلو اگر وزن داره نظر به وزن خود فروخته میشه.

ک: کارگرهایتان کی ها هستند؟

NMPrivateKabul250418: از همین محل هستند. خانم ها هستن. همی کس های که نیاز به کار دارند.

ک: چی رقم پیدا کردید این خانم ها ره؟

NMPrivateKabul250418: معرفی شده اند توسط دیگر خانم ها.

ک: این خانم های که معرفی کرده اند کی ها بوده اند؟

NMPrivateKabul250418: از دوست ها بوده اند، از همسایه ها بوده اند [the idea of “help” and “assistance” does not usually include supportive assistance. It was asked previously who helped you in setting up the business and in terms of providing business information. The reply was “no one apart from family”. But here both friends and neighbors play an important part in finding laborers. Finding qualified labor happens through a social network but the wealth of information that is given to the investor through this way is taken for granted].

ک: فروشات تان در گدام، از اهمین اوتمیل [oatmeal] که تولید می کنید، چی تعدادش باقی مانده؟

NMPrivateKabul250418: از 5 بوجی یک 3 بوجیشه فروختیم یک 2 بوجیش مانده [پاسخ های نامطمین و سرسرکی].

ک: رقابتی از طرف شرکت های دیگر؟

NMPrivateKabul250418: نخیر نی. موادی ره که ما تولید می کنیم رقیب نداریم.

ک: گاهی در فکر نوآوری می افتید؟

NMPrivateKabul250418: بله همیشه در همین فکر هستیم که نوآوری کنیم [پاسخ های نامطمین]

ک: یک مثال میشه بدهید؟

NMPrivateKabul250418: مه اصلا در بخش زراعت در بخش میوه ی خشک کار می کردم، وقتی که همی اوتس [oats] ره ما تولید کردیم، این ره ما همیشه از خارج می خواستیم به فامیل خود که استفاده می کردیم. و در ممالک عربی این بسیار برای شام یک غذای بسیار خوب اس که سر شام حتما از این جور می کنن.

ک: شما قبلا در ممالک عربی زندگی کرده اید؟

NMPrivateKabul250418: بله ها.

ک: کدام کشور؟

NMPrivateKabul250418: عربستان سعودی بودیم. باز همین ره گفتیم که از چی جور شده و چی قسم. انترنت ره دیدیم و از او طریق پیدا کردیم. و باز همراه فامیل و بچه ها [قطع]

ک: حالی این جو دو سره در کجا کشت میشه؟

NMPrivateKabul250418: اکثرا در دایکندی و هزاره جات و در همین خود افغانستان.

ک: معمولا در 24 ساعت چند ساعتش ره شما وقف کار می کنید؟

NMPrivateKabul250418: شش ساعت، هفت ساعت تقریبا.

ک: تشکر!

NMPrivateKabul250418: از شما همچنان.